

۵. بررسی موازین ارزشی اسلام، یهود و مسیحیت

در باب اخلاق حرفه‌ای (رویکردی تطبیقی)*

- مهدی ابراهیمی نژاد^۱
- محبوبه عسکری باقرآبادی^۲

چکیده

بیان آموزه‌های اخلاقی از اساسی‌ترین ارکان شرایع آسمانی برای رساندن انسان به کمال نهایی است و این آموزه‌ها همواره راهنمای جهانیان در کسب‌وکار بوده است. پیشوایان ادیان نیز با گفتار و عمل، پیروان خود را به تلاش برای آراسته شدن به زیور اخلاق تشویق کرده‌اند. دین مبین اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی چه از طریق آیات و چه با احادیث و روایات، به رعایت اصول اخلاقی تأکید می‌نماید. درک درست و دقیق ارزش‌های بنیادی اخلاقی می‌تواند اولین گام در جهت رسیدن به جامعه‌ای سالم و مطلوب باشد. آنچه به عنوان گام بعدی و اساسی‌ترین گام در نظر گرفته می‌شود عمل به این ارزش‌ها در تمام ابعاد زندگی است. با توجه به وظیفه خطیر سازمان‌های فنی و حرفه‌ای در تربیت نیروهای ماهر و کارآزموده، فرصتی فراهم آمده تا ضمن آموزش مهارت، اخلاق حرفه‌ای نیز ارتقا یابد و عرصه خدمتگزاری با فرهنگ الهی احیا شود. در

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۳.

۱. دانشیار دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول).

Ebrahimi.nejad@uk.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت بحران دانشگاه شهید باهنر کرمان.

Askari.msc@gmail.com

مقاله حاضر، با تأکید بر اهمیت این موضوع، در رویکردی تطبیقی گزیده‌ای از دستورات دین اسلام، یهود و مسیحیت پیرامون اخلاق حرفه‌ای مورد مطالعه قرار گرفته و در این راستا، ابتدا به چستی مفهوم اخلاق، اخلاق حرفه‌ای و ارتباط اخلاق با دین و تاریخچه مختصری از پیدایش آن اشاره شده است. در ادامه، برخی آیات قرآنی پیرامون اخلاق آورده شده و در نهایت موازین ارزشی دین اسلام، یهود و مسیحیت در باب اخلاق حرفه‌ای مقایسه و سازگاری مفاهیم پایه‌ای ارزش‌های اخلاقی در این ادیان جمع‌بندی شده است. در انتها، توصیه‌هایی برای اجرای این مهم ارائه شده است.

واژگان کلیدی: اخلاق حرفه‌ای، اسلام، مسیحیت، یهود

مقدمه

اخلاق، شیوه زیستن و یا چگونه زندگی کردن است و به بیان احکام ارزشی در همه ابعاد فردی و اجتماعی پرداخته و راه‌های رسیدن به فضایل و بهره‌مندی از خوبی و دوری از رذایل و بدی‌ها را نشان می‌دهد و اختصاص پیدا کردن بخش گسترده‌ای از آیات قرآن به مسائل اخلاقی، بیانگر اهمیت اخلاق است؛ چنانکه قرآن یکی از مهم‌ترین رسالت‌های انبیا را پرورش اخلاق و تزکیه نفس مطرح نموده است. اخلاق حرفه‌ای، حوزه‌ای تخصصی در دانش اخلاق است که به بیان مسئولیت‌های اخلاقی بنگاه‌ها و مشاغل و نیز تحلیل مسائل اخلاقی در کسب‌وکار می‌پردازد (فرامرزقرا ملکی، ۱۳۸۵).

اولین اصول اخلاقی که روابط میان افراد را مد نظر قرار داده، «۱۰ فرمان» حضرت موسی علیه السلام بود و بعد از آن از قاعده زرین در انجیل می‌توان نام برد که به روابط میان فرد و جامعه تکیه دارد و توجه می‌کند که شخص با دیگران طوری رفتار کند که میل دارد با او رفتار کنند (بابایی اهری، ۱۳۸۱).

اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی، یکی از رسالت‌های مهم خود را اخلاق می‌داند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: من برای به کمال رساندن مکارم اخلاق برانگیخته شدم.^۱ امروزه اندیشمندان دینی در کنار کارشناسان رسانه‌ها، همواره از رعایت قواعد اخلاق در کسب‌وکار می‌گویند و می‌نویسند، زیرا تهی شدن

۱. «إِنِّي بَعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶/۲۱۰)

فعالیت‌های اقتصادی از اخلاق، به فساد، تباهی و استثمار می‌انجامد. از این رو، بر همگان لازم است که ارزش‌های بنیادی اخلاقی را درست و دقیق بشناسند و در همه ابعاد زندگی به کار بندند.

الف. مفهوم‌شناسی

۱. اخلاق

اخلاق یعنی رعایت اصول معنوی و ارزش‌هایی که بر رفتار شخص یا گروه حاکم است مبنی بر اینکه درست چیست و نادرست کدام است (بردبار و نیک آیین، ۱۳۹۲).

۲. اخلاق حرفه‌ای

اخلاق حرفه‌ای را می‌توان به طور عام به مسئولیت‌پذیری فرد در زندگی شخصی، شغلی و سازمانی دانست که بر حسب هر یک از انواع مسئولیت‌پذیری اخلاق شخصی، اخلاق حرفه‌ای و اخلاق سازمانی تحقق می‌یابد و به طور خاص، مسئولیت‌پذیری در فعالیت حرفه‌ای دانست در قبال همه کسانی که در محیط حرفه‌ای قرار می‌گیرند (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۳، ۱۵). عده‌ای نیز این علم را چنین تعریف کرده‌اند: «(اخلاق حرفه‌ای، تکالیف اخلاقی و وظیفه‌ای و سازمانی است که سازمان در قبال محیط مستقیم و یا غیر مستقیم دارد)» (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۰).

ساده‌ترین انگاره در تعریف اخلاق حرفه‌ای این است که آن را مسئولیت‌پذیری در زندگی شغلی بدانیم. اخلاق حرفه‌ای بر حسب اینکه در این مسئولیت‌پذیری، عضو مسئول دارای شخصیت حقیقی یا حقوقی باشد، دو مرتبه پیدا می‌کند:

۱. مسئولیت اخلاقی فرد در زندگی؛

۲. مسئولیت اخلاقی سازمان‌ها در قبال عناصر محیط داخلی و محیط خارجی.

اخلاق حرفه‌ای، شیوه‌های رفتاری متداول در میان اهل حرفه است (صدری افشار،

۱۳۷۳).

طی پژوهشی، مؤلفه‌های اخلاقی به صورت زیر شمرده شده است:

۱. مسئولیت در برابر خود: رعایت انصاف در رفتار و قضاوت‌های خویش در تمام

مراحل انجام کار، پایبندی به اصول اخلاقی و ارزش‌های انسانی، اولویت قائل شدن به درخواست‌های ارباب‌رجوع، به‌کارگیری ابتکار عمل و احساس مسئولیت و نظم در کلیه فعالیت‌های حرفه‌ای، رعایت صراحت و درستی در انجام وظایف، انجام وظایف به‌دقت و وقت‌شناسی.

۲. مسئولیت در برابر همکاران: برخورد نیکو و محترمانه با همکاران و احترام به دانش همکاران.

۳. مسئولیت در برابر حرفه: عدم اعمال عقاید شخصی در وظایف حرفه‌ای، حمایت از نوآوری، عشق به کار.

۴. مسئولیت در برابر مشتریان: حمایت از ارباب‌رجوع و ارائه عالی‌ترین سطح خدمات.
۵. مسئولیت در برابر سازمان: تلاش در جهت تحقق اهداف سازمان و رعایت اصول اخلاقی سازمان.

۶. مسئولیت در برابر جامعه: خودداری از انجام اعمال خلاف قانون، اخلاق، رسوم و مصلحت جامعه و ارج نهادن به هویت و فرهنگ کشور (اسفندیاری مقدم و حسنلو، ۱۳۸۹).

ب. برخی از آیات قرآنی در مورد اخلاق

ای مؤمنان! از گام‌های شیطان پیروی نکنید؛ و هر که از گام‌های شیطان پیروی کند [هلاک می‌شود] زیرا شیطان به گناه آشکار و عمل ناپسند فرمان می‌دهد و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، هرگز احدی از شما [از عقاید باطل و اعمال و اخلاق ناپسند] پاک نمی‌شد، ولی خدا هر که را بخواهد پاک می‌کند و خدا شنوا و داناست.^۱
ای اهل ایمان! به خانه‌هایی غیر از خانه‌های خودتان وارد نشوید، مگر آنکه اجازه بگیرید و بر اهل آنها سلام کنید، [رعایت] این [امور اخلاق] برای شما بهتر است، برای این که متذکر [آداب انسانی] شوید.^۲

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (نور/ ۲۱).

۲. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (نور/ ۲۷).

ص، سوگند به قرآن که مشتمل بر ذکر [حقایق، معارف، مطالب اخلاق و اجتماعی و احکام حلال و حرام] است.^۱

خدا [برای فهماندن حقیقت توحید و شرک] مثلی زده است: مردی را که اربابانی ناسازگار و بداخلاق در [مالکیت] او شریک‌اند و مردی که فقط بردهٔ یک مالک است، آیا این دو برده از جهت فرمان گرفتن و فرمان بردن باهم یکسان‌اند؟ [موحدان که بندهٔ خدای یکتا هستند، دارای زندگی منظم و پاک و آخرتی آبادند و مشرکان که فرمان‌بران اربابان گوناگون‌اند، دارای زندگی پریشان و آخرتی خراب‌اند] همهٔ ستایش‌ها ویژهٔ خداست. بلکه بیشترشان [به آثار و منافع بندگی خدا] آگاهی ندارند.^۲ و یقیناً تو بر بلندای سجایای اخلاق عظیمی قرار داری.^۳

راه کسانی [چون پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان] که به خاطر نشان دادن شایستگی [نعمتِ ایمان و عمل خالص و اخلاق حسنه به آنان] عطا کردی، آن [انسان‌های والایی] که نه مورد خشم تواند و نه گمراه‌اند.^۴

خدا سرپرست و یار کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنان را از تاریکی‌ها [ی جهل، شرک، فسق و فجور] به سوی نور [ایمان، اخلاق حسنه و تقوا] بیرون می‌برد و کسانی که کافر شدند، سرپرستان آنان طغیان‌گراند که آنان را از نور به سوی تاریکی‌ها بیرون می‌برند؛ آنان اهل آتش‌اند و قطعاً در آنجا جاودانه‌اند.^۵

و مثل کسانی که اموالشان را برای طلب خشنودی خدا و استوار کردن نفوسشان [بر حقایق ایمانی و فضایل اخلاق] انفاق می‌کنند، مانند بوستانی است در جایی بلند که بارانی تند به آن برسد، در نتیجه میوه‌اش را دو چندان بدهد و اگر باران تندی به آن

۱. ﴿ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ﴾ (ص / ۱).

۲. ﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (زمر / ۲۹).

۳. ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (القلم / ۴).

۴. ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ (الفاتحه / ۷).

۵. ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (بقره / ۲۵۷).

نرسد باران ملایمی می‌رسد [و آن برای شادابی و محصول دادنش کافی است] و خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست.^۱

و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی از پیامبران و صدیقان و شهیدان و شایستگان خواهند بود که خدا به آنان نعمت [ایمان و اخلاق و عمل صالح] داده و اینان نیکو رفیقانی هستند.^۲

این [کیفر سخت] به سبب این است که خدا بر آن نیست که نعمتی را که به قومی عطا کرده [به عذاب و نقت] تغییر دهد تا زمانی که آنان آنچه را در خود [از عقاید حقه، حالات پاک و اخلاق حسنه‌ای که] دارند [به کفر، شرک، عصیان و گناه] تغییر دهند و یقیناً خدا شنوا و داناست.^۳

و گروهی از آنان تو را می‌نگرند [ولی گویا از درک معجزات و فهم آیات قرآن و سلامت اخلاق و کردارت با چشم دل ناتوانند]. آیا تو می‌توانی نابینایان را که مطلقاً از روی بصیرت نمی‌بینند، هدایت کنی؟^۴

ای مردم! یقیناً از سوی پروردگارتان برای شما پند و موعظه‌ای آمده که شفاست برای آنچه [از بیماری‌های اعتقادی و اخلاق] در سینه‌هاست و سراسر هدایت و رحمتی است برای مؤمنان.^۵

الر - [این] کتابی [باعظمت] است که آیاتش [به صورت حقیقتی واحد] استحکام یافته، سپس از سوی حکیمی آگاه [در قالب سوره‌ها، آیه‌ها، حقایق اعتقادی، اخلاق و عملی] تفصیل داده شده است.^۶

۱. ﴿وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (بقره / ۲۶۵).

۲. ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾ (نساء / ۶۹).

۳. ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُعَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (انفال / ۵۳).

۴. ﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَلَوْ كَانُوا لَا يَتَّبِعُونَ﴾ (يونس / ۴۳).

۵. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (يونس / ۵۷).

۶. ﴿الرَّكَّابُ أَحْكَمْتُ آيَاتُهُ ثُمَّ فَصَّلْتُ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ خَبِيرٍ﴾ (هود / ۱).

ج. مروری بر پیشینه موضوع

اخلاق حرفه‌ای، پیشینه‌ای سه هزارساله دارد و از منزلت اساسی در آموزه‌های اسلامی برخوردار است (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۵). نخستین ارزش‌هایی که بی‌درنگ به یاد می‌آیند، ده فرمان حضرت موسی علیه السلام است. چکیده فرمان‌های خداوند، پیوستگی با راستی و راستگویی است. در فلسفه نیز، افلاطون با کتاب «جمهور» و گفتگوهایش درباره عدالت نامدار شد. هم‌چنین ارسطو در کتاب سیاست، درباره روابط اقتصادی، سوداگری و بازرگانی سخن می‌گوید (نہاوندیان، ۱۳۸۵). پس از سقوط امپراتوری رم، دین مسیح در غرب رواج پیدا کرد.

انقلاب صنعتی در سال ۱۷۶۰، تحول بنیادین در حرفه را در پی داشت. شرایط سخت کار و افزایش مرگ‌ومیر کارگران، دغدغه اخلاقی افراد خیرخواه را برانگیخت. توسعه صنعت در صنایع مواد غذایی، بهداشتی و دارویی، مسئله حقوق مصرف‌کننده به‌ویژه کیفیت کالا و خدمات را به میان آورد. تعامل بنگاه‌های بزرگی چون جنرال موتور با شهروندان، مباحث مربوطه به حقوق شهروندان را نیز مطرح کرد (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۸).

آدام اسمیت با نگارش کتاب «نظریه احساس اخلاقی» یک فیلسوف اخلاق شناخته شد.

ماکس وبر محدوده اخلاق را به سه بخش تقسیم می‌کند: ۱. اخلاق در خانواده و زندگی خصوصی؛ ۲. اخلاق در زندگی اقتصادی و بازار؛ ۳. اخلاق در سیاست. مجمع کشیشان ایالات متحده در سال ۱۹۸۴ ارشاد نامه‌ای در باب اقتصاد صادر کرد که تأکید می‌کند هیچ نظامی نباید نقض‌کننده ارزش‌های اخلاقی مسیحیت باشد. در سال ۱۹۹۳، پارلمان ادیان جهان، اعلامیه اخلاق جهانی را صادر کرد. در این بیانیه، ویران کردن بوم‌زیست به همراه پدیده‌هایی همچون تهیدستی و گرسنگی و نابرابری‌های اقتصادی منفور دانسته شد. سازمان ملل نیز عهدنامه جهانی بنگاه‌ها را فراهم آورده است. این عهدنامه، نه اصل ارشادی دارد که متمرکز بر حقوق بشر، استانداردهای کار و حفاظت محیط‌زیست هستند (نہاوندیان، ۱۳۸۵).

یکی از پُرثمرترین آثار تمدن اسلامی، رشد اخلاق حرفه‌ای است. کتاب‌هایی که

در تمدن اسلامی در بابِ حِرَف و مشاغل نگارش یافته‌اند، حکایت از اهمیت اخلاق در هدایت مشاغل و حرف دارد (فرامرزقرا ملکی، ۱۳۸۸). علمی و سبزیان (۱۳۷۸) در مقاله‌ای پس از بررسی اخلاق اسلامی و مسیحی، پیرامون منابع اصلی اخلاق اسلامی و مسیحی، سرچشمه‌ها و خاستگاه‌های اخلاقی در این دو مذهب نشان می‌دهد رابطه‌ای میان اصول اعتقادی و اخلاق وجود دارد و اینکه چگونه ادیان، به‌ویژه اسلام و مسیحیت بستر لازم را برای شکوفایی اخلاق ایجاد می‌کنند.

زینلی و دیگران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای در باب اخلاق حرفه‌ای و نقش ضوابط اخلاقی در مدیریت منابع انسانی دریافتند هنگامی که اصول یا ارزش‌های اخلاقی به طور گسترده‌ای میان کارمندان سازمان رایج شود و مدیریت بر منابع انسانی با رعایت اصول اخلاقی صورت پذیرد، موفقیت سازمانی افزایش خواهد یافت.

د. بررسی تطبیقی ابعاد اخلاق حرفه‌ای در اسلام و مسیحیت

هر انسانی، در هر پست و مقامی، وظایفی را در برابر خدا، در برابر همکاران، در برابر مراجعین و در برابر کار خود بر عهده دارد. در ادامه به برخی از این وظایف اشاره و موازین دین اسلام و مسیحیت بررسی می‌شود.

۱. رابطه فرد با خدا

بخشی از وظایف هر انسان، وظایف او در برابر خداوند است که از جمله این وظایف می‌توان به اخلاص در عمل، توکل و صبر نام برد (فرحزادی، ۱۳۸۹).

- اخلاص در عمل: امام صادق علیه السلام در تعریف عمل خالص می‌فرماید: «عمل خالص آن است که نخواهی جز خداوند متعال، احدی تو را به خاطر آن ستایش نماید». ^۱ کسانی که در محیط کار به قصد برخورداری از تحسین‌های شفاهی و یا به قصد استفاده از تشویق‌های مالی و یا کسب پست‌های بالاتر، خود را فعال‌تر از آنچه در واقع است، نشان دهند، طبق فرمایش امام صادق علیه السلام به خدا شرک ورزیده‌اند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مردی که عمل ثوابی را انجام دهد ولی نه به قصد رضای

۱. «الْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ» (کلینی، ۱۳۸۹، ۱۶/۲).

خداوند، بلکه به قصد اینکه مردم او را تحسین نمایند و از او تعریف کنند، این مرد کسی است که به خدای خود شرک ورزیده است.^۱ شدیدترین مذمت‌ها و سرزنش‌ها، دربارهٔ انسان مغرور و متکبر در تورات بدین صورت آمده است: «هر کس که مغرور و متفرعن است، چنان است که گویی بت پرستی می‌کند، منکر اصول دین است، هرگونه عمل زشت و فسق و فجوری را مرتکب می‌شود و سزاوار آن است که مانند درختی که به عنوان بت می‌پرستند قطع گردد. خاک او بیدار نخواهد شد و شخینا به خاطر او زاری می‌کند. هر کس که مغرور و متفرعن است، ذات قدوس متبارک دربارهٔ او می‌فرماید: «من و او نمی‌توانیم با یکدیگر در جهان به سر بریم» (علی‌خانی، ۱۳۸۹). در دین مسیحیت نیز، بر اخلاص در عمل تأکید شده است. در فصل ۴۵ انجیل برنابا چنین می‌خوانیم: «هرگاه آنچه انجام می‌دهید به قصد خشنودی مردم باشد و خدا را از اندیشه و ذهن خود بیرون کنید، در این صورت بر سرتان فریاد خواهیم زد که شما فرزندان شیطانید» (انجیل برنابا، ۳۱/۴۵، ۳۰، ۲۹).

- توکل: جبرئیل خطاب به پیامبر ﷺ دربارهٔ تفسیر «توکل» می‌فرماید: «توکل، ناامید شدن از مخلوقات خداوند و اتکا به خداوند است و این که بداند که مخلوق خداوند، نه ضرری می‌تواند برساند و نه سودی، نه توان بخشندگی داشته و نه می‌تواند منع از روزی نماید».^۲ چه بسیار انسان‌هایی که به خاطر عدم توجه به «لزوم توکل بر خدا» و حفظ موقعیت خویش، گرفتار انواع خطاها نظیر تملق، دروغ و تزویرهای اداری، غیبت‌ها و تهمت‌ها گشته و به خاطر لقمه‌ای نان و پُست و مقام، آخرت خود را تباه ساخته‌اند (فرحزادی، ۱۳۸۹). در کتاب ناحوم آمده که: خداوند نیکوست و در روز بلا و سختی پناهگاه می‌باشد و او از کسانی که به او توکل می‌کنند مراقبت می‌نماید (ناحوم ۱). در فصل ۲۵ انجیل برنابا دربارهٔ اهمیت توکل می‌خوانیم: «در اندیشهٔ به‌جا

۱. «الزُّجُلُ يَعْمَلُ سَيْنًا مِنَ التَّوَابِ لَا يَطْلُبُ بِهِ وَجَهَ اللَّهِ إِنَّمَا يَطْلُبُ تَرْكِيَةَ النَّاسِ يَشْتَهِي أَنْ يُسْمِعَ بِهِ النَّاسَ فَهَذَا الَّذِي أَشْرَكَ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ» (کلینی، ۱۳۸۹، ۲/۲۹۴).

۲. «الْيَأْسُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ وَ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّ الْمَخْلُوقَ لَا يَضُرُّ وَلَا يَنْفَعُ وَلَا يُعْطَى وَلَا يَمْنَعُ» (نوری، ۱۴۰۸، ۲۱۸/۱۱).

آوردن اراده‌ی خداوند باشید، او نیاز شما را به اندازه‌ای برآورده می‌سازد که به چیزی نیازمند نمی‌شوید» (انجیل برنابا، ۲۱/۲۵، ۱۹، ۲۰).

- صبر: گاهی انسان در شرایط کاری با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شود. در محیط اداره، در ارتباط با کار، رئیس، همکاران و مراجعان قرار می‌گیرد که رفع نیازها و تحمل دستورات آنها برای انسان دشوار است. مشکلاتی نظیر سختی شرایط کار، تراکم کار، برخوردهای غیراخلاقی مراجعان و... یک انسان مؤمن توجه دارد که سختی‌ها و گرفتاری‌های زندگی برای «ساختن» او از جانب خدا نازل گشته و در نزول آنها قصد هیچ آزار و اذیتی وجود ندارد (فرحزادی، ۱۳۸۹). در ادامه به برخی از حکمت‌های وجود بلاها و سختی‌ها در زندگی اشاره می‌شود:

- آزمایش بندگان: «هر آینه شما را می‌آزمایم تا مجاهدان و صبر پیشه‌گان را معلوم سازیم». ^۱ در کتاب تنبیه آمده که: به خاطر آورید چگونه خداوند شما را در بیابان چهل سال تمام هدایت کرد و شما را در تنگی قرار داده، آزمایش کرد تا ببیند عکس‌العمل شما چیست و آیا واقعاً از او اطاعت می‌کنید یا نه (تنبیه، ۱۱). در نامه اول پطرس نیز سختی‌ها به مثابه وسیله آزمایش شناخته شده است: «سختی‌ها برای این است که ایمان شما را آزمایش کند. همان طور که آتش، طلا را می‌آزماید و پاک می‌کند. بعد از اینکه ایمان شما در بوته آتشین آزمایش رفت، اگر سالم بماند، روزی که عیسی علیه السلام برمی‌گردد، باعث تمجید و جلال و سربلندی شما می‌شود» (نامه اول پطرس، ۷/۱).

- از بین رفتن غفلت‌ها و توبه کردن بنده: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد و آن بنده در حال گناه باشد، او را به بلایی مبتلا می‌کند که استغفار را به یاد او بیاورد و توبه کند». ^۲ در سوره مبارکه اعراف به صراحت به این نکته اشاره شده است: «و ما آنها را با انواع نیکی‌ها و بدی‌ها گرفتار می‌نماییم، شاید که برگردند». ^۳ خداوند در کتاب ارمیا، به بنی اسرائیل می‌فرماید: «هرگاه اعلام

۱. ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنكُمْ وَالصَّابِرِينَ﴾ (محمد / ۳۱).

۲. ﴿إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بَعْدَ خَيْرٍ فَأَذْنَبَ ذَنْبًا أَبْعَثَهُ بَقِيمَةً وَ يُذَكِّرُهُ الْإِسْتِغْفَارَ﴾ (کلینی، ۱۳۸۹، ۴۵۲/۲).

۳. ﴿وَبَلَوْنَاهُم بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ (اعراف / ۱۶۸).

نمایم که قصد دارم قومی یا مملکتی را منهدم و ویران سازم، اگر آن قوم از شرارت دست کشد و توبه کند، از قصد خود منصرف می‌شوم و نابودش نخواهم کرد» (ارمیا، ۲۱). در فصل ۱۰۳ انجیل برنابا آمده: «هر رنجی که به انسان می‌رسد تنها از ناحیه خداست که برای رهایی او می‌آید و باید با روی باز آن را بپذیرد» (انجیل برنابا، ۶/۱۰۳).

- افزایش پاداش: پیامبر گرامی ﷺ می‌فرماید: «همانا بلای بزرگ، موجب پاداش عظیم است».^۱ در کتاب مزامیر آمده که: ای خداوند، رحمت نیز از آن توست و تو هرکس را بر اساس کارهایش پاداش خواهی داد (مزامیر، ۲۸). در نامه اول پطرس چنین بیان شده: «پس از اینکه مشکلات را تحمل کردید، خداوند که بخشنده هر نوع برکت روحانی است، شما را در جلال جاودانی خود شریک خواهد کرد. او خودش می‌آید و شما را بلند می‌کند و پا برجا نگه می‌دارد به طوری که از همیشه نیرومندتر باشید» (نامه اول پطرس، ۱۰/۵).

- سختی‌ها، عامل سازندگی انسان: حضرت علی ؑ می‌فرماید: «چه بسیارند گرفتارانی که با بلا و سختی ساخته می‌شوند».^۲ در کتاب ایوب آمده که: خدا به وسیله سختی و مصیبت با انسان سخن می‌گوید و او را از رنج‌هایش می‌رهاند (ایوب، ۲۳). یعقوب در نامه خود خطاب به مسیحیان یهودی نژاد می‌نویسد: «وقتی سختی‌ها از هر طرف به شما حمله می‌کند، فرصتی پیش می‌آید تا صبرتان زیاد شود. وقتی صبرتان به حد کمال رسید آن وقت مردانی کامل و بالغ می‌شوید که در زندگی به هیچ چیز نیازمند نیستید» (نامه یعقوب، ۲، ۳، ۴/۱).

۲. رابطه فرد با مراجعان

شاید بتوان ادعا کرد مهم‌ترین بُعد اخلاق حرفه‌ای، رابطه با دیگر انسان‌ها و رفع حوائج دیگران است. در این باب چهار محور تکریم ارباب رجوع، عدم تضييع وقت مراجعه کنندگان، برخورد شاداب با مراجعان و امانت‌داری مورد بحث قرار می‌گیرد.

- تکریم ارباب رجوع: از مهم‌ترین وظایف یک کارگزار شایسته، رعایت احترام و

۱. «إِنَّ عَظِيمَ الْبَلَاءِ يُكَافَأُ بِهِ عَظِيمُ الْجَزَاءِ» (کلینی، ۱۳۸۹، ۲/۲۵۳).

۲. «رَبِّ مُتَبَلِّئِ مَصْنُوعٌ لَهُ بِالْبَلْوَى» (سید رضی، ۱۳۸۱، ۵۲۳).

شخصیت مراجعه‌کنندگان است. اینکه گناه مشاهده می‌شود در برخی ادارات، شخصیت مراجعه‌کننده دست‌خوش بی‌احترامی می‌گردد و با برخوردهای تند گفتاری و رفتاری مواجه می‌شود، دون رفتار یک انسان است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «هر که یکی از اولیاء مرا خوار سازد، گویا به جنگ با من برخاسته و مرا به مبارزه فراخوانده است»^۱. در دین یهود آمده که آنچه خودت از آن نفرت داری، برای هم نوعت روا مدار (علی‌خانی، ۱۳۸۹). پطرس در نامه اول خود درباره خوبی و احترام به دیگران چنین سفارش می‌کند: «از بدی دست بکشید و به همه خوبی کنید. تلاش کنید با مردم در صلح و صفا زندگی کنید. چون نظر لطف خداوند به کسانی است که خوبی می‌کنند و به دیگران احترام می‌گذارند» (نامه اول پطرس، ۱۱، ۱۲/۳).

- عدم تضييع وقت مراجعه‌کنندگان: حضرت علی عليه السلام می‌فرماید: «فرصت‌ها مانند ابر در گذر است، پس فرصت‌های خیر را غنیمت بشمارید»^۲. در دین یهود آمده که: «انسان نباید ذهن مردم را بدزدد و آنها را فریب دهد، حتی ذهن يك غير يهودی را»؛ «دزدیدن مال یک غیر یهودی عملی شنيع تر است تا دزدی از یک یهودی؛ زیرا سرقت مال یک غیر یهودی شامل گناه عظیم بی‌حرمتی به نام خدا نیز می‌شود (همان منبع). در فصل ۱۵۳ انجیل برنابا در باب اهمیت وقت آمده: «هر گاه وقت خود را در خشنودی نستان صرف کنید نه در خشنودی خداوند، بزرگ‌ترین دزد به شمار می‌آیید» (انجیل برنابا، ۲۶/۱۵۳).

- برخورد شاداب و خندان با مراجعان: مسلماً هر انسانی در زندگی با مشکلاتی مواجه است و گاهی با ناراحتی‌های شخصی به محل کار خود می‌آید. بدون تردید مراجعان از مشکلات او باخبر نبوده و رعایت حقوق آنها اقتضا می‌کند که با غصه‌های خویش آنها را نرنجانیم (فرحزادی، ۱۳۸۹). حضرت علی عليه السلام می‌فرماید: «هنگامی که با برادران خویش برخورد نمودید، با آنها مصافحه نمایید و بشاشیت و خوش‌رویی خود را به ایشان بنمایانید. در این صورت هنگامی که از یکدیگر جدا می‌شوید دیگر هیچ بار

۱. «مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ بَارَزَنِي بِالْمُحَارَبَةِ وَ دَعَانِي إِلَيْهَا» (کلینی، ۱۳۸۹، ۱/۱۴۴).

۲. «الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَاتَّهَرُوا فُرْصَ الْخَيْرِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۶/۸۴).

گناهی بر دوش شما نخواهد بود).^۱ در جای دیگر نیز حضرت می‌فرماید: «مؤمن زیرک و باهوش است. خوشحالی او در چهره‌اش نمایان و اندوهش در دل پنهان است».^۲ در دین یهود آمده که: همنوعت را مانند خودت دوست بدار. من که خدا هستم هم نوع تو را آفریده‌ام. اگر تو او را دوست بداری، من امین هستم و به تو پاداش نیک خواهم داد، اگر او را دوست نداری، من داور هستم و تو را مجازات خواهم کرد (علی‌خانی، ۱۳۸۹). در نامه اول یوحنا می‌خوانیم: «همین طور که به هم محبت می‌کنید، لکه‌های تیره‌وتار از بین می‌رود و نور مسیحایی شروع به تابیدن می‌کند. کسی که بگوید من در نور مسیح هستم ولی همنوع خود را دوست نداشته باشد، هنوز در تاریکی است» (نامه اول یوحنا، ۸.۹/۲).

۳. رابطه فرد با کار

- انجام صحیح و سریع کار: پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «خداوند دوست دارد هرگاه بنده مؤمنش اقدام به کاری می‌کند، آن را محکم و درست انجام دهد».^۳ در کتاب دوم تواریخ آمده که: از خداوند بترسید و کارت‌تان را درست انجام دهید، زیرا بی‌انصافی و طرفداری و رشوه گرفتن در کار خدای ما نیست (دوم تواریخ، ۱۸). در فصل ۱۴۰ انجیل برنابا به تمرین برای درست انجام دادن کارها توصیه شده است: «هرگاه کاری نادرست انجام شود، گرچه یک بار باشد، دلیل بر این است که اگر بخواهید از هر نظر محکم و استوار گردد، باید روی آن کار تمرین شود. مسلماً کسی که کاری را آغاز می‌کند تنها نمی‌خواهد آن را به پایان برساند، بلکه می‌کوشد و رنج می‌برد تا برای هدف خود نتیجه‌ای مناسب به دست آورد» (انجیل برنابا، ۸.۱۵/۱۴۰).

- آموزش فنون مربوط به کار: یکی از عوامل مؤثر در بهینه‌سازی عملکرد شخص و سازمان، توجه به امر آموزش و لزوم فراگیری علوم و فنون مربوط به کار و پست مورد

۱. «إِذَا لَقِيتُمْ إِخْوَانَكُمْ فَتَصَافَحُوا وَ أَظْهَرُوا لَهُمُ الْبَشَاشَةَ وَ الْبِشْرَ تَتَفَرَّقُوا وَ مَا عَلَيْكُمْ مِنَ الْأَوْزَارِ قَدْ ذَهَبَ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۲۵/۱۲).

۲. «الْمُؤْمِنُ هُوَ الْكَيْسُ الْفَطِنُ بَشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حَزْنُهُ فِي قَلْبِهِ» (کلینی، ۱۳۸۹، ۲۶۶/۲).

۳. «اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ عَبْدًا إِذَا عَمِلَ عَمَلًا فَأَحْكَمَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۹۸/۷۰).

تصدی است. برخی از این آموزش‌ها عبارتند از: فراگیری قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به کار، آشنایی با دستگاه‌های مرتبط، آموزش‌های نرم‌افزاری و مربوط به رایانه، روش‌های برقراری ارتباط صحیح با ارباب‌رجوع و... پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «هر که بدون آگاهی اقدام به عملی نماید، خرابکاری او بیشتر از اصلاح‌گری او خواهد بود».^۱ در کتاب امثال آمده که: آدم عاقل علم و دانش خود را به نمایش نمی‌گذارد، ولی شخص نادان حماقت خود را آشکار می‌سازد. حکمت جزء وجود تو خواهد شد و دانش به تو لذت خواهد بخشید (امثال، ۱۰/۲). در فصل ۷۸ انجیل برنابا در باب اهمیت آموزش آمده: «آنگونه که دانش برای حیات جاودان فایده دارد، نان برای زندگی این روزگار سودمند نیست. از استاد خود پرسش نما تا به تو دانش بیاموزد» (انجیل برنابا، ۵، ۷/۷۸).

۴. رابطه فرد با همکاران

- **محبت‌ورزی:** محبت‌ورزی سرمایه‌ای عظیم، ساده و قابل‌دسترس است. محبت‌ورزی به همکاران اقسام گوناگونی دارد. مثلاً هنگام تراکم کار، بخشی از مراجعان او را به نزد خود فراخوانده و کارهای مقدماتی آنها را انجام دهیم، از احوال خانواده و فرزندان او جويا شویم، هنگام بیماری به عیادت او برویم، مشکلات او را پیگیری نموده و نشان دهیم که رفع آنها دغدغه ما نیز هست، در مراسم عزا و شادی او شرکت کنیم... (فرحزادی، ۱۳۸۹). محبت در فرهنگ اسلام از رحمت الهی ریشه می‌گیرد. شخصی اعرابی به نزد پیامبر آمد و از ایشان نصیحتی طلب کرد. حضرت به او فرمود: «به مردم ابراز محبت نما، تو را دوست خواهند داشت».^۲ در دین یهود در مورد محبت‌ورزی به یکدیگر بسیار توصیه شده؛ بدین ترتیب آمده که: عشق به خداوند بدون عشق به هم‌نوع کامل نیست (علی‌خانی، ۱۳۸۹).

- **عفو:** گاه برای ما محرز است که همکارمان در حق ما مرتکب خطایی شده است، خطایی که حتی به خاطرش عذرخواهی و یا طلب بخشش نکرده است. در آیین

۱. «مَنْ عَمِلَ عَلَيَّ غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ» (کلینی، ۱۳۸۹، ۴۴/۱).

۲. «تَحَبَّبَ إِلَى النَّاسِ يُحْبَوْكَ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۵۲/۱۲).

اسلام، در این صورت گذشت از خطای او اقدامی کریمانه است و همراه با پاداش بزرگ الهی خواهد بود (فرحزادی، ۱۳۸۹). پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «آیا شما را به بهترین مخلوقات خداوند آگاه نسازم؟ گذشت از کسی که به تو ظلم کرده، ارتباط با کسی که با تو قطع رابطه کرده، نیکی به کسی که به تو بدی کرده و بخشش به کسی که تو را از بخشش خود محروم گردانیده است».^۱ در دین یهود، وظیفه شخصی که نسبت به او خطایی شده آن است که هنگامی که از او عذرخواهی می‌شود، آن را بپذیرد؛ خطاکار را عفو کند و کینه‌ای از او در دل نگاه ندارد. گفته‌اند: «انسان باید مانند نی، نرم و انعطاف‌پذیر باشد و هرگز چون درخت سرو و آزاد، سخت و خشن نباشد» و نیز آمده «اگر هم‌نوعت به تو اهانتی کرد، او را عفو کن» (علی‌خانی، ۱۳۸۹). در فصل ۱۸ انجیل برنابا می‌خوانیم: «بدی را با بدی پاسخ ندهید، بلکه بدی را با نیکی پاسخ دهید و در حق کسانی که به شما کینه می‌ورزند نزد خداوند دعا کنید. آتش با آتش خاموش نمی‌شود، بلکه باید آن را با آب خاموش کرد. از همین رو به شما می‌گویم، بدی را با بدی مغلوب نسازید، بلکه با نیکی به ستیز بدی بروید» (انجیل برنابا، ۲۰، ۲۱، ۲۲/۱۸).

- عدم ایذاء همکاران: از اموری که باید مورد توجه قرار گیرد، دقت در نحوه رفتار خود و سلايق شخصی است. رفتار و سلايقی که ممکن است تنها خوشایند خود بوده و مورد پسند دیگران نباشد. مثلاً: استعمال عطرهاي تند در اتاق کاری که افراد دیگر نیز در آنجا حضور دارند، ایجاد عوامل حواس‌پرتی مانند گوش دادن به رادیو و موسیقی با صدای بلند در جایی که همکاران به محیطی آرام نیاز دارند، صحبت کردن زیاد همکاران با هم، حرف زدن با کسی که در حال تفکر و دقت در کار خود می‌باشد و... (فرحزادی، ۱۳۸۹). در حدیث قدسی آمده است که خداوند متعال می‌فرماید: «هر که بنده مؤمن مرا آزار دهد، به من اعلان جنگ نموده است».^۲ در اخلاقیات تلمودی، توهین و بی‌حرمتی به هم‌نوع در ملأ عام، مانند ریختن خون دیگران به شمار می‌آید.

۱. «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ خَلَائِقِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَتَصَلَّى مَن قَطَعَكَ وَالْإِحْسَانُ إِلَى مَن أَسَاءَ إِلَيْكَ وَإِعْطَاءُ مَن حَرَمَكَ» (کلینی، ۱۳۸۹، ۱۰۷/۲).

۲. «لِيَأْذَنَ بِحَرْبٍ مِنِّي مَن أَذَى عَبْدِي الْمُؤْمِنِ أَوْ أَخَافِ لِي وَلِيًّا» (ارشادالقلوب، ۱۴۰۸، ۱۴۲/۱).

«سرخ‌چهره ناپدید می‌شود و زردی و رنگ‌پریدگی جای آن را می‌گیرد». حتی تهدید هم نوع بدون اینکه جنبه عملی به خود بگیرد نیز، نوعی بی‌حرمتی و رذالت اخلاقی شناخته می‌شود. «کسی که دستش را علیه هم‌نوع خود بلند کند، حتی اگر به او سیلی نزند، انسانی شریر خوانده می‌شود» (علی‌خانی، ۱۳۸۹). در فصل ۷۹ انجیل برنابا در این باره آمده: «هرگاه کسی آنچه را دوست نمی‌دارد از دیگران به او برسد، به دیگران روا ندارد و آنچه را دوست دارد دیگران به او بدهند، به آنها بدهد، چنین کسی از رحمت خداوند بی‌بهره نخواهد بود» (انجیل برنابا، ۴/۷۹).

- نظارت مشفقانه: گاهی متوجه اشتباهی از سوی همکار خود می‌شویم، خطایی که در اثر غفلت، تراکم کار، غلبهٔ نفس و... بروز کرده است. در این هنگام، همکار دلسوز و وظیفه‌دار نسبت به خارج ساختن او از اشتباه به شکل جدی وارد عمل شود. این اقدام بسته به نوع خطا و سرمنشأ آن می‌تواند متفاوت باشد. مثلاً خطایی که در اثر غفلت صورت می‌گیرد با خطایی که در اثر غلبهٔ هوای نفس رخ می‌دهد تفاوتی فاحش دارد و هر یک عملکرد متفاوتی را می‌طلبد. آنچه مهم است اجتناب از بی‌تفاوتی در برابر خطای همکاران است. اگر اولین بار که خطا می‌کند، او را نهی نمی‌کنیم، احتمال بروز خطای مجدد از جانب او کمتر می‌شود (فرحزادی، ۱۳۸۹). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر که برادر خویش را در حال انجام کاری ناپسند ببیند و در حالی که قدرت بر منع او از آن کار دارد، اقدامی نکند، در حق او خیانت کرده است».^۱ در کتاب تثنیه آمده که: اگر نزدیک‌ترین خویشاوند یا صمیمی‌ترین دوست شما، حتی برادر، پسر، دختر و یا همسران در گوش شما نجوا کند که بیا برویم و این خدایان بیگانه را بپرستیم؛ راضی نشوید و به او گوش ندهید. پیشنهاد ناپسندش را برملا سازید و بر او رحم نکنید (تثنیه، ۱۶). در فصل ۸۷ انجیل برنابا آمده: «اگر برادرت گناهی کرد، در پی اصلاحش برو و هرگاه اصلاح شد، خشنود باش که به برادرت سود رسانده‌ای» (انجیل برنابا، ۱۴/۸۷، ۱۳).

- عدم تعصب در خصوص همکاران: یکی از مسایل جاری در بعضی سازمان‌ها و

۱. «مَنْ رَأَى أَخَاهُ عَلَى أَمْرٍ يَكْرَهُهُ فَلَمْ يَزِدْهُ عَنْهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَقَدْ خَانَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۹۰/۷۱).

ادارات، پشتیبانی کور و متعصبانه همکاران از یکدیگر در برابر اعتراضات به حق مراجعان است. گاه در بعضی مخاصمات کاری، مراجعه کننده‌ای که اعتراضی به یکی از کارکنان دارد، با هجمه غیرمنطقی همکاران او مواجه می‌شود و بدین گونه ناچار به عقب‌نشینی از حق خود گشته و گرفتار ظلمی اداری می‌شود. بنا بر آموزه‌های اسلام، مؤمن، حق مدار و حق گراست. او هرگز به خاطر رعایت مصالح دوستان خود حاضر به تضییع حقوق دیگران نمی‌شود. فراموش نکنیم برای کسی که از ظالم دفاع نموده و حق مظلوم را ضایع کرده است، قرار گرفتن در محکمه عدل الهی کاری بس دشوار و ناممکن است (همان منبع). در فصل ۴۹ انجیل برنابا درباره اهمیت حق‌مداری چنین آمده: «ای انسان در داوری به هیچ چیز، نه به نزدیکان و نه به دوستان و نه به موقعیت و احترام و نه به سود نگاه مکن؛ بلکه با ترس از خداوند تنها به حق نظر داشته باش» (انجیل برنابا، ۲۱، ۲۲، ۲۳/۴۹).

- مشاوره و انتقال تجربیات: یکی از مفیدترین و کارآمدترین انواع تعامل کاری، مشورت کردن با همکاران و مشورت خواستن از آنها می‌باشد. در طبق اخلاص نهادن تجربیات و معلومات خود، یکی از وظایف دینی هر انسان مسلمان است. از این رو اگر همکاران یک کارمند باتجربه از او مشورتی خواستند، بر وی واجب است در صورت توانایی آنها را یاری رساند (همان منبع). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر که برادرش از او مشورتی خواست، ولی او اندیشه خالص خود را در اختیار او نگذاشت، خداوند متعال اندیشه و رأی او را سلب می‌نماید»^۱. حضرت موسی در بازگشت به سرزمین موعود به قوم خود می‌گوید: دقت کنید مبادا در طول زندگی تان آنچه را که با چشمانتان دیده‌اید فراموش کنید. همه این چیزها را به فرزندان و نوادگانتان تعلیم دهید. به یاد آورید آن روزی را که در کوه حوریب در برابر خداوند ایستاده بودید و او به من گفت: مردم را به حضور من بخوان و من به ایشان تعلیم خواهم داد تا یاد بگیرند همیشه مرا احترام کنند و دستورات مرا به فرزندان‌شان بیاموزند (تثنیه، ۶). در فصل ۱۲۵ انجیل برنابا آمده: «هرگاه انسان از ناحیه خداوند به چیزی برسد، باید خدا را خدمت کند. پس در

۱. «مَنْ اسْتَشَارَ أَخَاهُ فَلَمْ يَنْصَحْهُ مَحَضَّ الرَّأْيِ سَلَبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَأْيَهُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۴۴/۱۲).

بخشش کندی نکنید و گزیده‌ترین چیزهایی را که دارید به خاطر دوستی خداوند
بیخشید» (انجیل برنابا، ۱۲۵/۱۰، ۸).

ه. بررسی تطبیقی وجوه تشابهات دین اسلام، یهود و مسیحیت پیرامون اخلاق حرفه‌ای

اصول اخلاق حرفه‌ای	اسلام	یهود	مسیحیت
۱. رابطه فرد با خدا:			
- اخلاص در عمل	کسی که عمل ثوابی را نه به قصد رضای خدا، بلکه برای تحسین شدن انجام دهد، مشرک است.	هر کس که مغرور و متفرعن است، چنان است که گویی بت پرستی می‌کند، منکر اصول دین است، هرگونه عمل زشت و فسق و فجوری را مرتکب می‌شود و سزاوار آن است که مانند درختی که به‌عنوان بت می‌پرستند قطع گردد. خاک او بیدار نخواهد شد و شخینا به خاطر او زاری می‌کند. هر کس که مغرور و متفرعن است، ذات قدوس متبارک درباره او می‌فرماید: «من و او نمی‌توانیم با یکدیگر در جهان به سر بریم»	کسی که به قصد خشنودی مردم عملی را انجام دهد و خدا را از ذهن خود بیرون کند، فرزند شیطان است.

۱- توکل	کسی که به خدا توکل می‌کند، باور دارد که مخلوق خدا نه توان منع روزی دارد، نه توان بخشندگی.	در کتاب ناحوم آمده که: خداوند نیکوست و در روز بلا و سختی پناهگاه می‌باشد. او از کسانی که به او توکل می‌کنند مراقبت می‌نماید.	کسی که به خدا توکل می‌کند، خدا نیاز او را به اندازه‌ای برآورده می‌کند که به چیزی نیازمند نباشد.
صبر			
-آزمایش بندگان	سختی‌ها برای آزمایش بندگان و معلوم گرداندن مجاهدان و صبر پیشه‌گان است.	در کتاب تثنیه آمده که: به خاطر آورید چگونه خداوند شما را در بیابان، چهل سال تمام هدایت کرد و شما را در تنگی قرار داده، آزمایش کرد تا ببیند عکس‌العمل شما چیست و آیا واقعاً از او اطاعت می‌کنید یا نه.	سختی‌ها برای آزمایش ایمان است، همان طور که آتش، طلا را می‌آزماید.

- از بین رفتن غفلت‌ها	زمانی که بنده‌ای در حال گناه است، خدا او را به بلایی گرفتار می‌نماید تا استغفار کند.	خداوند در کتاب ارمیا، به بنی‌اسرائیل می‌فرماید: هرگاه اعلام‌نمایم که قصد دارم قومی یا مملکتی را منهدم و ویران سازم، اگر آن قوم از شرارت دست‌کشد و توبه کند، از قصد خود منصرف می‌شوم و نابودش نخواهم کرد.	هر رنجی که به انسان می‌رسد، از طرف خداست که برای رهایی او از گناه می‌آید.
- افزایش پاداش	تحمل بلا بزرگ، موجب پاداش عظیم است.	ای خداوند، رحمت نیز از آن توست و تو هرکس را بر اساس کارهایش پاداش خواهی داد.	اگر مشکلات را تحمل کردید، خداوند شما را در جلال جاودانی خود شریک می‌کند.
- سختی‌ها عامل سازندگی	بسیاری از گرفتاران با تحمل بلا و سختی ساخته می‌شوند.	در کتاب ایوب آمده که: خدا به وسیله سختی و مصیبت با انسان سخن می‌گوید و او را از رنج‌هایش می‌رهاند.	بسیاری از افراد با تحمل سختی، کامل، بالغ و بی‌نیاز از دیگران می‌شوند.

۲. رابطه فرد با مراجعین:		
نظر لطف خداوند بر کسانی است که به دیگران خوبی می‌کنند و به آنها احترام می‌گذارند.	آنچه خودت از آن نفرت داری، برای هم نوعت روا مدار.	هرگز دیگران را تحقیر نکنید، زیرا هر کس بنده مؤمن خدا را خوار کند، گویا به جنگ با پیامبر برخاسته است.
اگر وقت خود را در خشنودی نستان صرف کنید نه در خشنودی خداوند، بزرگ‌ترین دزد به شمار می‌آید.	انسان نباید ذهن مردم را بدزدد و آنها را فریب دهد، حتی ذهن یک غیر یهودی را.	وقت را بیهوده تلف نکنید، فرصت‌ها مانند ابر درگذر است. پس فرصت‌های خیر را غنیمت شمارید.
اگر به دیگران محبت کنید، لکه‌های تیره‌وتار از بین می‌رود و نور مسیحایی شروع به تابیدن می‌کند.	همنوعت را مانند خودت دوست بدار. من که خدا هستم هم نوع تو را آفریده‌ام. اگر تو او را دوست بداری، من امین هستم و به تو پاداش نیک‌خواهم داد، ولی اگر او را دوست نداری، من داور هستم و تو را مجازات خواهم کرد.	در برخورد با دیگران بشاش باشید و خوش‌رویی خود را به ایشان بنمایانید، در این صورت هنگامی که از یکدیگر جدا می‌شوید، هیچ بار گناهی بر دوش شما نخواهد بود.
تذکره ارباب رجوع		
علم تضييع وقت مراجعین		
تذکره شاداب با مراجعان		

۳. رابطه فرد با کار:		
انجام صحیح و سریع کار	خداوند دوست دارد هرگاه بنده مؤمنش اقدام به کاری می‌کند، آن را محکم و درست انجام دهد.	در کتاب دوم تواریخ آمده که: از خداوند بترسید و کارتان را درست انجام دهید، زیرا بی‌انصافی و طرفداری و رشوه گرفتن در کار خداوند، خدای ما نیست.
آموزش فنون مربوط به کار	وظایف شغلی خود را به‌درستی بیاموزید. زیرا هرکس بدون آگاهی اقدام به عملی نماید، خرابکاری او بیشتر از اصلاح‌گری او خواهد بود.	در کتاب امثال آمده است که: آدم عاقل علم و دانش خود را به نمایش نمی‌گذارد، ولی شخص نادان حماقت خود را آشکار می‌سازد. حکمت جزء وجود تو خواهد شد و دانش به تو لذت خواهد بخشید.
هرگاه کاری نادرست انجام شود، باید روی آن کار تمرین شود تا از هر نظر محکم و استوار گردد.		

۴. رابطهٔ فرد با همکاران:			
محبیت از رحمت الهی ریشه می‌گیرد. به مردم ابراز محبت کنید، شما را دوست خواهند داشت.	عشق به خداوند بدون عشق به ممنوع کامل نیست.	مثل اعضای یک خانواده باهم مهربان باشید، درد یکدیگر را بفهمید و از صمیم قلب همدیگر را دوست بدارید.	محبیت ورزی
از کسی که به تو ظلم کرده، گذشت کن. به کسی که به تو بدی کرده، نیکی کن. به کسی که تو را از بخشش خود محروم کرده، بخشش کن.	اگر ممنوعت به تو اهانتی کرد، او را عفو کن. انسان باید مانند نی، نرم و انعطاف‌پذیر باشد و هرگز چون درخت سرو و آزاد، سخت و خشن نباشد.	بدی را با نیکی پاسخ دهید. در حق کسانی که به شما کینه می‌ورزند نزد خداوند دعا کنید. آتش با آتش خاموش نمی‌شود، باید آن را با آب خاموش کرد.	بهدوش
خداوند در حدیث قدسی می‌فرماید: هر که بندهٔ مرا آزار دهد، به من اعلان جنگ نموده است.	کسی که دستش را علیه ممنوع خود بلند کند، حتی اگر به او سیلی نزنند، انسانی شریر خوانده می‌شود.	همان‌گونه که دوست نداری دیگران شما را آزار دهند، شما نیز آنها را آزار ندهید.	عدم ایذاء همکاران

نظارت مشفقانه	<p>هرکس برادر خویش را در حال انجام کاری ناپسند دید و در حالی که قدرت بر منع او از آن کار داشت، اقدامی نکرد، در حقّ او خیانت کرده است.</p>	<p>در کتاب تثنیه آمده که: اگر نزدیک‌ترین خویشاوند یا صمیمی‌ترین دوست شما، حتی برادر، پسر، دختر و یا همسرتان در گوش شما نجوا کند که برویم و خدایان بیگانه را بپرستیم؛ راضی نشوید و به او گوش ندهید. پیشنهاد ناپسندش را برملا سازید و بر او رحم نکنید.</p>
عدم تعصب در خصوص همکاران	<p>هرکس عصبیت پیشه سازد و یا دیگران به نفع او عصبیت پیشه سازند، ریسمان ایمان را از گردن خود باز نموده است.</p>	<p>در کتاب امثال آمده که: اشخاص فقیر را که حامی ندارند، استثمار نکن و حق بیچارگان را در دادگاه پایمال ننما، زیرا خداوند به داد ایشان خواهد رسید و کسانی را که به ایشان ظلم کرده‌اند به سزای اعمالشان خواهد رسانید.</p>
		<p>اگر برادرت گناهی کرد، در پی اصلاحش برو و هرگاه اصلاح شد، خوشحال باش که به او سود رسانده‌ای.</p>

مشاوره و انتقال تجربیات	اندیشه خالص خود را خیرخواهانه در اختیار دیگران بگذارید.	مردم را به حضور من بخوان و من به ایشان تعلیم خواهم داد تا یاد بگیرند همیشه مرا احترام کنند و دستورات مرا به فرزندانشان بیاموزند.	هرگاه از ناحیه خدا به چیزی رسیدید، آن را در خدمت دیگران نیز بگذارید.
-------------------------	---	---	---

و. اهمیت آموزش اخلاق در حین عمل

ایرانیان از دیرباز به پرورش صفات ممتاز برای کسب مهارت فنی و حرفه‌ای عنایت ویژه‌ای داشته‌اند، اما تحصیل هر نوع مهارت و تخصصی را وقتی سودمند می‌دانستند که همراه با فضائل اخلاقی شود. براساس گِل نوشته‌های تخت جمشید، می‌توان تصویری نسبتاً روشن از شیوه آموزش حرفه‌ای در ایران عصر هخامنشی به دست آورد که با تربیت اخلاقی و جسمانی نوآموزان همراه بوده است. بخش قابل ملاحظه‌ای از اندرزنامه‌ها که وارد ادبیات بعد از اسلام شده، لزوم آموزش اخلاق را حین آموزش حرفه‌ای گوشزد می‌کند (فریور، ۱۳۸۸). اسلام همواره درصدد تربیت مسلمانانی فداکار، خدمتگزار، باگذشت، استقلال طلب و دشمن ستیز بوده است و نقش معلم را به عنوان اسوه و سرمشق، بسیار مهم می‌داند، به همین جهت پیامبر را به عنوان سرمشق و نمونه عملی کامل معرفی می‌کند: «همانا پیامبر، سرمشق و الگوی خوبی برای شما است»^۱. از شعارهای بنیادین یهودیت این است که «عشق به خداوند بدون عشق به هم‌نوع کامل نیست». این مطلب در آموزه‌های تورات، در بحث دادن عشریه در آمد به فقیران و لزوم اختصاص دادن گوشه‌ای از مزرعه برای برداشت محصول توسط فقیران به وضوح دیده می‌شود (علی‌خانی، ۱۳۸۹). حضرت عیسی علیه السلام خود را به عنوان اسوه محبت به شاگردانش معرفی می‌کند و خطاب به آنان می‌گوید: «همدیگر را همان قدر دوست بدارید که من شما را دوست دارم. محبت زیاد شما به هم، به دنیا ثابت می‌کند که شما شاگردان من

۱. ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ (احزاب/۲۱).

هستید» (یوحنا، ۱۳/۳۵).

افلاطون در رساله آلکیایدس به شرح آموزش شاهزادگان ایرانی توسط چهار آموزگار که هر یک سرآمد و نمونه روزگار بودند، در آنچه آموزش می‌دادند می‌پردازد. چهار وجه آموزش عبارت بودند از: دانش دین و سیاست، انصاف و عدالت ورزی، میانه‌روی و خویش‌داری و دلاوری و بی‌باکی (فریور، ۱۳۸۸).

در ایران باستان، اصولی در کارگاه‌ها و مؤسسات تولیدی رعایت می‌شد تا ضمن آموزش مهارت، اخلاق شاگرد ارتقاء یابد. از جمله:

۱. توجه استاد به شاگرد و تذکر به موقع خطاهای شاگرد با تمثیل و استدلال به جای تهدید و تنبیه؛

۲. سخاوت و گشاده‌دستی استاد برای رفع حوائج مادی و معنوی و علمی شاگرد (همان منبع).

در تورات آمده که خداوند پناهگاه رنج‌دیدگان است و ایشان را در سختی‌ها حفظ می‌کند. خداوند، کسانی که تو را می‌شناسند، به تو پناه می‌آورند؛ زیرا تو هرگز طالبان خود را ترک نکرده‌ای (مزمیر، ۴). حضرت عیسی علیه السلام خطاب به شاگردانش می‌فرماید: «در مشکلات زندگی، شما را یتیم و بی‌سرپرست نمی‌گذارم، فوراً به کمک شما می‌آیم» (یوحنا، ۱۴/۱۸).

۳. آموزش عملی اخلاق در حین کار (همان)

حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای خطاب به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: «همانا قلب جوان همانند سرزمین خالی است، آنچه در آن بکارند می‌پذیرد و من پیش از آنکه دلت سخت گردد به ادب تو مبادرت می‌ورزم». ^۱ در حقوق می‌خوانیم که درستکار به وسیله امانت‌ش زنده خواهد ماند (حقوق، ۲). در انجیل لوقا می‌خوانیم: «تا در کارهای کوچک درستکار نباشید، در کارهای بزرگ درستکار نمی‌شوید. اگر در یک مورد جزئی حقه‌بازی کنید، در انجام کارهای بزرگ هم حقه‌باز و نادرست خواهید بود» (لوقا، ۱۰/۱۶). بنابراین تسلط بر نفس، ادب و احترام، نظم و انضباط و همکاری اجتماعی از

۱. «وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ. فَبَادَرْتَكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ» (سیدرضی، ۱۳۸۱، نامه ۳۱).

- اموری هستند که در حین کار به خوبی فراگرفته می‌شوند.
۴. ایجاد حس همکاری و اعتماد متقابل میان شاگردان و استادان مختلف.
۵. معرفی شاگردان مستعد و آماده برای ارتقاء مرتبه به استادان هر حرفه.
۶. آموزش روابط حرفه‌ای شاگرد، همراه با الزامات اخلاقی در هر نوع رابطه حرفه‌ای.
۷. آموزش دینی و عبادی شاگرد به نحوی که رابطه بین دین و حرفه را بشناسد (همان منبع).

نتیجه‌گیری

از منظر ادیان توحیدی، دین و اخلاق به شکلی جدانشدنی با یکدیگر امتزاج یافته‌اند؛ رفتار صحیح اخلاقی همواره در پرتو ذات خداوندی تفسیر می‌شود؛ زیرا که تنها ذات مقدس الهی است که نمونه‌ی اعلاهی همه‌ی خوبی‌ها و شایستگی‌هاست. تأکید آیات هر سه کتاب بر انسانیت و رشد اخلاقی انسان‌ها، نشان از اهمیت فضایل اخلاقی در این ادیان دارد. تعالیم پیامبر گرامی اسلام ﷺ نه تنها همه‌ی نیکی‌ها و زیبایی‌های تعالیم حضرت موسی ﷺ و مسیح ﷺ را دارد، بلکه از آن جامع‌تر و کامل‌تر نیز هست. در این نوشتار به طور گذرا به بحث اخلاق حرفه‌ای در اسلام، یهود و مسیحیت در چهار محور پرداخته شد: ۱. رابطه فرد با خدا؛ که در این باب، اخلاص در عمل، توکل و صبر مطرح شد. ۲. رابطه فرد با مراجعان؛ که پیرامون تکریم ارباب رجوع، عدم تضييع وقت مراجعه‌کنندگان و برخورد شاداب با مراجعین بحث شد. ۳. رابطه فرد با کار؛ که انجام صحیح و سریع کارها و یادگیری فنون مربوط به کار مطرح شد؛ و ۴. رابطه فرد با همکاران؛ که محبت ورزی، عفو، عدم ایذاء همکاران، نظارت مشفقانه، عدم تعصب و مشاوره و انتقال تجربیات مورد بررسی قرار گرفت و در انتها توصیه‌هایی در جهت آموزش اخلاق در حین عمل ارائه شد. امید است که با پایبندی به اصول اخلاقی، راه سعادت، رشد و سازندگی کشور امام زمان ﷺ را فراهم کنیم و این عبادتی بزرگ است.

کتاب‌شناسی

۱. اسفندیاری مقدم، علیرضا و حسنلو، سکینه (۱۳۸۹)، «دیدگاه اعضای انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی

- نسبت به اصول اخلاق حرفه‌ای کتابداری»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال پنجم، شماره‌های ۱ و ۲.
۲. بابایی اهری، مهدی (۱۳۸۱)، «اخلاق در کسب و کار»، فصلنامه کمال مدیریت، سال اول، شماره ۱.
۳. بردبار، حامد و نیک آیین، مجتبی، (۱۳۹۲)، «اخلاق حرفه‌ای متخصصان فناوری اطلاعات» هفتمین کنفرانس دانشجویی مهندسی مکانیک، تهران، دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
۴. زینلی، سینا و صفرنیا، حسن و اکبری، صادق (۱۳۹۱)، «اخلاق حرفه‌ای و نقش ضوابط اخلاقی در مدیریت منابع انسانی»، هشتمین کنفرانس توسعه منابع انسانی، تهران، مرکز مطالعات بهره‌وری و منابع انسانی.
۵. صدری افشار، غلامحسین (۱۳۷۳)، «فرهنگ فارسی امروزی، تهران»، مؤسسه نشر کلمه.
۶. علمی، قربان و سبزیان، شمس (۱۳۸۷)، «بررسی اخلاق اسلامی و مسیحیت»، فصلنامه علمی - پژوهشی نامه الهیات، دوره اول، شماره ۵.
۷. علی‌خانی، اسماعیل (۱۳۸۹)، «اخلاق در آیین یهود»، نشریه معرفت اخلاقی، شماره ۳.
۸. فرامرزی قرا ملکی، احد (۱۳۸۵)، «سازمان‌های اخلاقی در کسب و کار»، تهران، مرکز ملی مطالعات جهانی شدن.
۹. _____، (۱۳۸۸)، «برسرگنج»، گردآمده در کتاب «اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام»، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ دوم.
۱۰. _____، (۱۳۹۳) «اخلاق حرفه‌ای»، تهران، انتشارات مجنون، چاپ ششم.
۱۱. _____، (۱۳۸۰)، «در سنامه اخلاق حرفه‌ای»، بی‌جا، بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، امور مدیران.
۱۲. فرحزادی امیدوار، اکبر (۱۳۸۹)، «اخلاق کارمندی»، قم، انتشارات مهر امیرالمؤمنین علیه السلام، چاپ سوم.
۱۳. فریور، مهدی (۱۳۸۸)، «اخلاق حرفه‌مندی و پیشه‌وری در ایران باستان»، گردآمده در کتاب «اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام»، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۴. نهایوندیان، محمد (۱۳۸۵)، «درآمدی بر اخلاق کسب و کار»، تهران، مرکز ملی مطالعات جهانی شدن، بهمن.